یادداشت روز ...

یک چهره - یک روایت

## آقای مجری! گاهی سؤال کن، فقط دقت نکن

مهرداد خدیر

مجری یعنی کسی که اجرا می‌کند و می‌خواهم بدانم مهدی مهدی‌قلی دقیقا چی را اجرا می‌کند؟ اگر خبرنگار است چرا برای عیان و عریان کردن هیچ واقعیتی نمی‌کوشد؟

از مجری برنامهٔ «صف اول» شبکهٔ خبر سیما در گفت‌وگو با نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در این دو روز هیچ تحرک و ابتکاری دیده نشده چرا که تنها سؤالاتی تکراری و بسیار ملال‌آور را طرح می‌کند و کاندیدا هم از روی کاغذ جملاتی را که برای او نوشته‌اند می‌خواند و آقای مجری هم البته فقط خیلی خوب دقت می‌کند!

چون پرسش‌ها تکراری است نامزدهای بعدی از حالا می‌دانند او چه خواهد پرسید و می‌توانند از قبل آماده و حتی از بر کنند. می‌خواهد نام سه وزیر را بگویند که معمولا نمی‌گویند و او هم هیچ تلاشی نمی‌کند تا بگویند و بعد نوبت خاطره از رییس جمهور مرحوم می‌رسد و شگفتا که میهمان امروزی سه سال معاون آقای رییسی بوده ولی خاطره‌ای برای نقل کردن نداشت! چنان که اشاره شد میهمان او امیر حسین قاضی‌زادهٔ هاشمی بود و مجری می‌توانست گفت‌وگو را این گونه شروع کند: نوبت قبل و در سال ۱۴۰۰ وعده داده بودید مشکلات بورس را سه روزه حل می‌کنید. این بار چند روزه حل خواهید کرد؟

شاید بگویید این پرسشی جهت‌دار است و احتمالا تخریبی ارزیابی می‌شود و از این گونه سؤالات برحذر داشته شده اما می‌تواند همین مضمون را به شکلی دیگر مطرح کند و مثلا بگوید برخی خرده می‌گیرند که شما در انتخابات ۱۴۰۰ چنین گفتید یا تعهد بگیرد تا پایان می‌ماند یا نه. او در این سه سال رییس بنیاد شهید بوده و این نهاد چند سازمان اقتصادی مهم (بانک دی و سازمان کوثر) را زیر نظر دارد و می‌توانست دربارهٔ آنها بپرسد اما هیچ یک از این کارها را انجام نداد.

قابل حدس است که منع شده اما آیا پاسخ‌هایی که می‌شنود نباید هیچ سؤال و پرسشی را در ذهن او برانگیزد؟ چون مجری یعنی کسی که اجرا می‌کند می‌خواهم بدانم آقای مهدی مهدی‌قلی دقیقا چی را اجرا می‌کند و بود و نبودِ او چه تفاوتی دارد؟ اگر خبرنگار است چرا هیچ تلاشی برای عیان و عریان کردن هیچ واقعیتی از او سر نمی‌زند؟

قابل درک است که نمی‌خواهد مباحثه کند و می‌خواهد مصاحبه کند. این را می‌فهمیم و نیز این که استقلال حرفه‌ای ندارد و به او گفته‌اند چه بگو و چه نگو و ملاحظات و محظورات او قطعا در گفت‌وگو با سعید جلیلی بیشتر هم خواهد بود چون برادرش وحید جلیلی مرد شمارهٔ دو صدا و سیماست و این بنده خدا – مهدی قلی – دست از پا خطا کند چه بسا مؤاخذه شود اما اگر قدری به خودش بیشتر احترام بگذارد و فقط در چشم کاندیدای ریاست جمهوری زل نزند و گاهی –فقط گاهی– سؤالی جذاب را هم مطرح کند بد نیست. اجازهٔ مجادله ندارد؟ باشد! می‌دانیم. اما قدری دربارهٔ میهمان برنامه از قبل اطلاعات کسب کند و مثلا بپرسد با دکتر قاضی‌زادهٔ هاشمی وزیر دولت قبل و چشم‌پزشک مشهور هم نسبتی دارید یا نه و دیدگاه سیاسی‌تان نزدیک است یا دور و از این جور سؤالات. اگر قرار بر زل زدن باشد مثل شبکهٔ یک اصلا مجری نباشد بهتر است و کاندیدا مستقیم با بیننده صحبت کند. آقای مهدی مهدی‌قلی کارمند صدا و سیماست و با یک مجری یا یک خبرنگار واقعی فاصله دارد و تنها خوب دقت می‌کند! اما می‌تواند با کمی جسارت و اندکی رایزنی از این پوستهٔ صلب بیرون بیاید. مجری و گزارش‌گر یک وظیفه بیشتر ندارند و آن هم جذاب کردن موضوع برای مخاطبان است. وای خدای من! اگر اسماعیل میرفخرایی مجری بود اینها که هستند؟!

روزنامه فرهیختگان نوشت:

## پزشکیان با این دست فرمان، تکرار همتی ۱۴۰۰ است

**سرویس سیاسی** – پزشکیان اگر بخواهد در انتخابات پیروز شود و موج اجتماعی به راه بیندازد، لازم نیست جامعه را به سمت دوقطبی ببرد و در فضای قطبی شده، از آب گل آلود ماهی بگیرد. اگر بخواهیم با اظهارات پزشکیان در اولین گفت‌وگوی ویژه خبری، این سوال را بپرسیم که آیا امکان به وجودآمدن این موج وجود دارد، تا اینجا پاسخ منفی است. اصلاح‌طلبان بعد از تایید صلاحیت پزشکیان؛ فردی که گزینه جبهه اصلاحات بود، تلاش کردند موجی در میان اصلاح‌طلبان ایجاد کنند. حمایت چهره‌های مختلف و متفاوت اصلاح‌طلبان از پزشکیان تلاشی برای ایجاد این موج بود تا هم شکاف‌های درون اصلاح‌طلبان را کمرنگ کند هم آنها را به حضور و مشارکت در انتخابات ترغیب کند. این قابلیتی بود که پزشکیان توانست آن را ایجاد کند. اصلاح‌طلب بودن او در کنار مواضع میانه و معتدلش منجر شد هر دو طیف رادیکال و عملگرای اصلاح‌طلب به یکدیگر نزدیک شوند. گام بعدی اصلاح‌طلبان، ایجاد همین موج درون جامعه و میان طیف‌های مختلف مردم است. اصلاح‌طلبان امید زیادی داشتند که می‌توانند این موج را با حضور پزشکیان ایجاد کنند اما بعد از اولین حضور پزشکیان در تلویزیون و واکنش‌ها به این اظهارات به نظر می‌رسد، بخش زیادی از این امید به ناامیدی بدل شده است. پزشکیان در اظهارات خود در مورد موضوعات اقتصادی نتوانست عدم تسلط خود به موضوعات اقتصادی را پنهان کند و این نقطه‌ضعف او به‌وضوح روشن شده است. البته اگر پزشکیان در ادامه روی نقاط قوت خود و اظهاراتش در موضوعات اجتماعی و فرهنگی تکیه کند و با رقبا وارد چالش شود، می‌توان انتظار داشت که تغییراتی در جامعه نسبت به او ایجاد شود.

### دوراهی انتخاباتی پزشکیان

پزشکیان اگر بخواهد در انتخابات پیروز شود و موج اجتماعی به راه بیندازد، لازم نیست جامعه را به سمت دوقطبی ببرد و در فضای قطبی‌شده، از آب گل‌آلود ماهی بگیرد. اما در ادامه با فرض حفظ اصول و چهارچوب‌ها دو مسیر پیش‌روی او قرار دارد. او اگر همین مسیر را ادامه دهد، در موقعیت همتی ۱۴۰۰ قرار می‌گیرد؛ حمایت بخشی از بدنه اصلاح‌طلبان را از دست می‌دهد، نمی‌تواند آنها را مجاب به حضور پای صندوق‌های رای کند و از طرفی هم با حضور دیگر نامزدهای اصولگرا رای آنها را جذب نخواهد کرد. اگرچه او تفاوتی با همتی نیز دارد و آن هم این است که همتی بااتکا به تسلط خود به مسائل اقتصادی، می‌توانست نابسامانی‌های اقتصادی و مسیری که باید طی شود را به چالش بکشد. در سمت دیگر این احتمال وجود دارد که تندروهای اصلاح‌طلب تلاش کنند تا او را به سمت رادیکالیسم سوق دهند؛ موقعیتی که میرحسین موسوی در ۸۸ آن را تجربه کرد. او هیچ‌زمان حتی در مناظره با احمدی‌نژاد در خط رادیکالیسم قرار نگرفت اما مشورت دادن‌های رادیکال‌ها و حرکت دادن او به سمت تندروی از او چهره دیگری ساخت. اگرچه با توجه به سابقه و عقبه پزشکیان ظرفیت موسوی شدن دراو کمرنگ است اما این احتمال نیز حذف نمی‌شود که رادیکال‌ها با تندکردن انتقادها به حرف‌ها و مواضعش، او را به سمت رادیکالیسم سوق دهند. فرض سومی نیز در این موقعیت متصور است که پزشکیان مسیر تازه‌ای در جناح اصلاح‌طلبی تعریف کند. جدای از اینکه از افتادن در دام رادیکالیسم اجتناب کند و فضای سیاسی را در مسیر رادیکالیسم نیندازد، با استفاده از ظرفیت‌هایی که دارد، سبد رای ثابتی جذب کند و آرا را بشکند و رقابت اصلی را در دوم انتخابات رقم بزند. در چنین فضایی احتمالا شانس پزشکیان برای پیروزی بر رقیب افزایش پیدا خواهد کرد.

# ساختار انتخاباتی این دوره ناشی از خطای محاسباتی نیست

عباس عبدی- تحلیلگر مسائل سیاسی

**به نظر من ساختار انتخاباتی این دوره ناشی از خطای محاسباتی نیست. گرچه تصمیم محافظه‌کارانه‌ای است ولی نمی‌تواند ناشی از خطا باشد. خطا به این معنی که گمان کنند، اصلاح‌طلبان و مردم می‌آیند. ولی نامزد دیگری رای آورد. به نظرم بروز چنین خطایی دور از ذهن است. این یک انتخاب آگاهانه برای ساختار است. به نظرم همان تصمیم مهمی است که امسال باید گرفته می‌شد که شد. تایید صلاحیت کسی که ظرفیت پیروزی دارد و به احتمال فراوان مشارکت را به بالای ۶۰درصد خواهد رساند.**

تقریبا سعی کرده‌ام که در هر انتخاباتی رویکرد خود و دلیل مشارکت را به طور کامل توضیح دهم، آخرین آن در سال ۱۳۹۶ بود. پس از آن در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ شرکت نکردم، درحالی که همواره عقیده داشتم که شرط عبور به سوی اصلاحات و بهبود جامعه؛ به‌رسمیت شناختن یکدیگر و خارج کردن ذهنیت حذف‌گرا است و این نگاه نیز از خلال انتخابات خود را نشان خواهد داد. البته می‌دانم که انتخابات صفر و یک نیست بلکه صفر و صد است که صد آن وضعیت ایده‌آل و مطلوب است و صفر نیز یک صندوق کاملا صوری و خالی از مضمون انتخاب. اینکه در کدام عدد می‌توانیم شرکت کنیم یا شرکت نکنیم، از طریق گفت‌وگوی آزاد و عرف عمومی طرفداران اصلاحات انجام می‌شود. رفتن به پای صندوقی که زیر این نقطه باشد، خدمت به نهاد انتخابات و تثبیت آن به عنوان شیوه مسالمت‌آمیز حل اختلاف نیست، همچنان که نرفتن به پای صندوقی که بالای این نقطه باشد، از دست دادن فرصت و بستن راه اصلاح مسالمت‌آمیز است. در این میان حس مردم خیلی مهم و تعیین‌کننده است. در واقع فهم عمومی مردم، سیاست‌سنج (مثل دماسنج) دقیقی است که در هر سه انتخاب گذشته درست عمل کردند، ولی اکنون رفتار دیگری را از خود نشان می‌دهند. به همین علت می‌خواهم توضیح دهم که چرا در این انتخابات فعال خواهم بود و از آقای پزشکیان حمایت می‌کنم؟

پیش از ورود به بحث چند نکته را توضیح دهم؛ اول اینکه رویکرد من هیچ ارتباطی با اقدامی که تحت عنوان روزنه‌گشایی یا راه‌گشایی معرفی شده است، ندارد. البته آنان افراد و دوستان محترمی هستند ولی بنده در زمستان ۱۴۰۲ نقد خودم را نوشتم، این بار هم همان نقد را دارم، اصولا این رویکرد با اصالت دادن به صندوق و فراموش کردن انتخاب، به‌جا انداختن و اعتبار این نهاد مهم سیاسی کمک نمی‌کند، سهل است که آن را بی‌اعتبار می‌کند. به علاوه مشکلات موجود ناشی از عدم حضور پای صندوق رای نبوده، بلکه بسیاری معتقدند که مردم همواره به پای صندوق رفته‌اند و این نتیجه حاصل شده، آن هم صندوق‌هایی که کارایی داشتند، حالا چگونه باید پای صندوقی صوری رفت به امید اینکه گشایشی رخ دهد؟ بگذریم. پس این نگاه من هیچ ربطی به این رویکرد ندارد. نرفتن پای صندوق صوری هم انفعال و کناره‌گیری نیست، بلکه رفتن پای آن فقط یک نمایش روی صحنه است و در واقعیت مثل بازیگرانی می‌شویم که در روی صحنه نقش شاد و خنداندن مردم را ایفا می‌کنیم ولی از صحنه که پایین بیاییم در زندگی واقعی غمبار خود غرق می‌شویم. شور و نشاط واقعی در احترام به صندوق به مثابه صندوق نیست، بلکه صندوق به مثابه انتخاب است. البته این را می‌دانم که انتخاب از دو طریق محدودیت دارد؛ اول از طریق عرضه، که همه گزینه‌های مطلوب را نمی‌تواند یا نمی‌خواهد عرضه کند، دوم از طریق تقاضا که توان و قدرت لازم را برای محقق کردن هر انتخابی را ندارد. نکته دوم این است که اطمینان دارم آنچه که می‌نویسم لزوما اقناع‌کننده همه مخاطبان عزیز نیست. واقعیت این است که امر سیاسی را نمی‌توان به گزاره‌های کاملا ریاضی و دقیق تبدیل داد. در حقیقت سیاست تا حدی متاثر از حس و حال و شمّ سیاسی نیز هست با این وجود باید چارچوب‌های منطقی آن را به خوبی توضیح داد. نکته سوم که خیلی مهم است اینکه هیچ تحلیل سیاسی کاملا تضمین‌شده نیست. ما به صورت قطعی نمی‌دانیم آینده چه می‌شود. هر کس وعده‌های قطعی دهد حتما کلاهبردار و دروغگو است. پس مبنای رفتار ما چه باید باشد؟ گفت‌وگوی صادقانه برای رسیدن به بهترین راه. راهی که ریسک خطرات آن کمتر باشد. ما می‌توانیم راه‌های پرخطر با چشم‌انداز عالی را پیشنهاد کنیم ولی خطرات آن هم زیاد باشد. این روش در سیاست اخلاقی نیست چون هزینه‌های آن قطعی است و منافعش احتمالی است. من در سیاست طرفدار کنش‌هایی با ریسک کمتر هستم چون دود کنش با ریسک بالا به چشم مردم می‌رود ضمن اینکه به‌لحاظ جامعه‌شناسی نیز می‌توانم توضیح دهم که چرا چشم‌اندازهای عالی، معمولا هم خیالی است. پس همین که بدانیم شانس و امکانی جدی برای انتخاب ما فراهم است که با یک رای دادن مسیر کنونی را تغییر دهیم این یک موفقیت بزرگ است. مسیری که همه می‌دانیم به جای خطر ناکی منتهی می‌شود. پس خودمان را از چنین امکانی محروم نکنیم. امکانی که در سال ۱۴۰۰ مطلقا فراهم نبود. در این بخش از یادداشت می‌کوشم که تحلیل و دلایل خودم را درباره چرایی مشارکت در این انتخابات تقدیم کنم.

پیش‌تر نوشته‌ام که بدون برخی تغییرات پیشا انتخاباتی، نباید وارد فرآیند انتخاباتی شد. مبنای این تحلیل این بود که هم در سال ۱۳۷۶ و هم ۱۳۹۲ نتایج حاصل از انتخابات، به دلیل خطای محاسباتی رخ داده بود و به همین علت به نتایج آن انتخابات رضایت داده نمی‌شد و به هر طریقی مانع تراشی صورت می‌گرفت و انتخابات شکاف جامعه و دولت را کم می‌کرد ولی در مقابل شکاف را به داخل ساختار حکومتی منتقل می‌کرد. از این رو معتقد بودم که فرآیند یکدست‌سازی که از سال ۱۳۹۸ با شدت تمام آغاز و در سال ۱۴۰۰ تکمیل شد، برای کشور گریزناپذیر می‌شود. هر چند همواره تاکید می‌کردم که این فرآیند منجر به نتیجه مطلوب برای یکدست‌سازان نخواهد شد ولی با روال و چارچوبی که سیستم دنبال می‌کرد، گریزی هم از آن نبود و نیست. در تحلیل‌های سال ۱۴۰۰ خود حداقل سه بار به گریزناپذیری آن اشاره کردم و همزمان شکست آن را نیز قطعی دانستم.

تجربه سه سال گذشته نشان داد که این سیاست از سه جهت شکست کامل خورده است؛ اول از این جهت که مردم پای صندوق نیامدند. کاهش مشارکت برای حکومت برآمده از انقلاب که شاهد انتخابات‌هایی در حد و اندازه ۱۳۷۶، ۱۳۸۰، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ بوده هزینه و خسران بسیار بزرگی است که آثار آن در همه حوزه‌ها و قدرت ملی بازتاب پیدا می‌کند. دوم از حیث تداوم یکدستی است که پس از حذف اصلاح‌طلبان، شکاف‌های عمیق داخلی یکدست‌شدگان بروز پیدا کرد به طوری که اکنون به بدترین شکل یکدیگر را متهم می‌کنند و کاری نیست که علیه هم انجام ندهند. قدرت‌طلبی آنان بیش از همیشه آشکار شده است.

و سوم و مهم‌تر از همه اینکه یکدست‌سازی نه تنها کارایی را بهبود نبخشید که شکست کاملی را رقم زد که نشانه آن را در وضع اقتصادی مردم و عدم تحقق وعده‌ها می‌بینیم. علاوه بر آن سیاست‌های به شدت محدودکننده اجتماعی و فرهنگی، زندگی عمومی مردم را مختل کرد و سطح تنش‌های اجتماعی را به شکل بی‌سابقه‌ای بالا برد. پیامدهای منفی این وضعیت گسترده است اما از جمله آنها می‌توان به تقویت روزافزون مخالفان، گسترش و شدت نارضایتی عمومی از وضعیت اداره کشور، تضعیف دین و ارزش‌های انقلاب به ویژه در نسل جوان و از دست دادن همه نقاط قوت گذشته بود. بنابراین دو راه پیش روی کشور جامعه وجود داشت؛ اول ادامه وضع موجود، دوم انجام تغییرات مناسب برای برگشتن قطار کشور جامعه روی ریل عادی.

ادامه وضع و سیاست‌های موجود غیرممکن می‌نمود. توان دولت کنونی را در اقدامات سیاسی اعضای آن دیدیم. بنابراین باید برای سال ۱۴۰۴ امکان انتخاباتی مناسبی شکل می‌گرفت که حضور و امید مردم را زنده کند. این فرآیند به علت سقوط بالگرد به جلو افتاد. بنابراین به نظر من ساختار انتخاباتی این دوره ناشی از خطای محاسباتی نیست. گرچه تصمیم محافظه‌کارانه‌ای است ولی نمی‌تواند ناشی از خطا باشد. خطا به این معنی که گمان کنند، اصلاح‌طلبان و مردم می‌آیند. ولی نامزد دیگری رای آورد. به نظرم بروز چنین خطایی دور از ذهن است. این یک انتخاب آگاهانه برای ساختار است. به نظرم همان تصمیم مهمی است که امسال باید گرفته می‌شد که شد. تایید صلاحیت کسی که ظرفیت پیروزی دارد و به احتمال فراوان مشارکت را به بالای ۶۰درصد خواهد رساند و در مقابل او نیز چهره‌ای معتبر و اجماعی از جناح اصولگرا وجود ندارد، انتخاب یک گزینه و تصمیم آگاهانه است و باید به تبعات آن نیز فکر کرده و پیشاپیش پذیرفته باشند. کسی که در سال ۱۴۰۰ رد شد و در اعتراضات ۱۴۰۱ چنان مواضع شفاف و به نسبت روشنی گرفت در انتخابات مجلس رد و سپس تایید شد، تایید کنونی وی یک انتخاب ریسکی و خطا نیست. اگر به این نتیجه می‌رسیدم که این نحوه تایید صلاحیت مثل ۱۴۰۰ با هدف انتخاب قطعی یک نامزد موردنظر است و بقیه در عمل نقش دورچین او را دارند، قطعا مثل همان انتخابات برخورد می‌کردم، ولی اتفاقا به نظر می‌رسد که دورچین‌های ۱۴۰۰ امسال ارتقا پیدا کرده و پاجوش شده‌اند و چه بسا با یکدیگر نیز درگیر شوند. پرسش‌های مهم‌تری هم هست که برخی از دوستان و خوانندگان محترم طرح کرده‌اند که در یادداشت‌های بعدی به آن خواهم پرداخت.»

**سیاست‌های به شدت محدودکننده اجتماعی و فرهنگی، زندگی عمومی مردم را مختل کرد و سطح تنش‌های اجتماعی را به شکل بی‌سابقه‌ای بالا برد. پیامدهای منفی این وضعیت گسترده است اما از جمله آنها می‌توان به تقویت روزافزون مخالفان، گسترش و شدت نارضایتی عمومی از وضعیت اداره کشور، تضعیف دین و ارزش‌های انقلاب به ویژه در نسل جوان و از دست دادن همه نقاط قوت گذشته بود. بنابراین دو راه پیش روی کشور جامعه وجود داشت؛ اول ادامه وضع موجود، دوم انجام تغییرات مناسب برای برگشتن قطار کشور جامعه روی ریل عادی.**

زیدآبادی:

## در انتخابات ۱۴۰۳ باید شرکت کرد؛ ما به بنگلادش شدن هم رضایت دادیم!

سرویس سیاسی – احمد زیدآبادی گفت: «دمکراسی فقط در غرب نیست، اکنون دمکراسی در بنگلادش هم وجود دارد، به معنای احزاب رقابت می‌کنند و حزبی که در انتخابات پیروز می‌شود، دولت را شکل می‌دهد. اکنون بسیاری از مردم ما از آرمان‌های خود دست کشیدند، ما به بنگلادش شدن هم رضایت دادیم.» احمد زیدآبادی گفت: باید تفکر استراتژی داشت تا بتوان مانند دنیا تحلیل کرد، آدم دارای تفکر استراتژی قطعا می‌داند در انتخابات سال ۱۴۰۰ نباید شرکت کرد و در انتخابات ۱۴۰۳ باید شرکت کرد، چراکه در محیطی هستیم که دایما تغییر می‌کند. احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار و فعال سیاسی در نشست سیاست، تحزب، مشارکت و سرمایه اجتماعی در خانه اندیشه‌ورزان گفت: اگر قرار است گفتگو کنیم، گفتگو منطق و حکمت خاص خود را دارد، همچنین دمکراسی نیز قواعدی دارد. دمکراسی فقط در غرب نیست، اکنون دمکراسی در بنگلادش هم وجود دارد، به معنای احزاب رقابت می‌کنند و حزبی که در انتخابات پیروز می‌شود، دولت را شکل می‌دهد. اکنون بسیاری از مردم ما از آرمان‌های خود دست کشیدند، ما به بنگلادش شدن هم رضایت دادیم. همگان به مشکلات واقف هستیم و انتظار این است که حداقل موانع اصلی برطرف شود. بسیاری از مردم دمکراسی هم رها کردند و به حکومت مانند بن سلمان هم رضایت دارند، اما مکانیزم آن چیست؟ چگونه به آن می‌توان رسید؟ باید تفکر استراتژی داشت تا بتوان مانند دنیا تحلیل کرد، آدم دارای تفکر استراتژی قطعا می‌داند در انتخابات سال ۱۴۰۰ نباید شرکت کرد و در انتخابات ۱۴۰۳ باید شرکت کرد، چراکه در محیطی هستیم که دایما تغییر می‌کند. آرایش فعلی کاندیدا نشانه این است که سیستم متوجه شده است که باید رفتار خود را تغییر دهد یا نه، تنها به دنبال افزایش مشارکت است و بعد از انتخابات رفتار خود را ادامه می‌دهد؟ باید این بررسی شود که چرا پزشکیان تایید صلاحیت شده است؟ اگر صلاحیت پزشکیان تایید شده است که قرار است با او همکاری شود تا کابینه متخصص تشکیل دهد، یعنی سیستم به این نتیجه رسیده است که یک‌دست بودن را تغییر دهد و این خوب است، اما اگر تایید صلاحیت پزشکیان تصادفی بوده و تنها از دستشان در رفته است، می‌تواند فاجعه‌بار است.

چرا که اگر قرار است پزشکیان انتخاب شود و با او همکاری نکنند و کارشکنی کنند، زمین‌گیر می‌شود. چرا که بدون همکاری نمی‌توان کار اجرایی انجام داد؛ بنابراین این مسأله تبین شود که سیستم به چنین نتیجه‌ای رسیده است یا خیر؟

طهماسبی در نطق میان دستور:

## مسیر اصلاح امور کشور از وضع قوانین درست در مجلس می‌گذرد

**سرویس سیاسی** – یک نماینده مجلس گفت: عمیقا معتقدم مسیر اصلاح امور کشور از سیاست و اقتصاد گرفته تا خودرو، معیشت و حتی کمک به جوانی جمعیت و فرزندآوری از وضع قوانین درست در مجلس می‌گذرد، البته به شرطی که نگاه همه ما فراجناحی و هدف صرفاً مردم باشند.

فرهاد طهماسبی در نطق میان دستور خود در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی با سلام و درود خدمت ملت شریف ایران، گفت: خداوند بلند مرتبه را شاکریم که کشور عزیزمان از نعمت حضور مردمی انقلابی، ولایتمدار، آگاه و بصیر برخوردار است که پشت سر رهبری داهیانه مقام عظمای ولایت لحظه‌ای به مسیری که طی می‌کند شک نکرده است و استوار یکی پس از دیگری امتحانات الهی را با سربلندی پشت می‌گذارد.

نماینده مردم استهبان و نی‌ریز در مجلس شورای اسلامی با اشاره به حادثه تلخ شهادت رئیس جمهور مکتبی و انقلابی و همراهان ایشان، افزود: شهادت رئیس جمهور مکتبی و انقلابی ما به همراه جمعی از همراهان و خدمتگزاران مردم آنقدر اندوه بار و سنگین بود که برای سال‌ها در دل مردم ایران این داغ خواهد ماند اما آنچه التیام بخش این غم بزرگ بود حضور میلیونی و معنا دار مردم در ارج نهادن و تقدیر از خدمتگزاران واقعی خود در تشییع پیکر پاک و مطهر شهدا بوده است.

نماینده مردم نی ریز در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: بی شک این خون‌ها که ریخته شد انقلاب ما را بیمه می‌کند و حضور میلیونی مردم همه دشمنان و اربابانشان را ناامیدتر از همیشه برای رخنه در صفوف به هم پیوسته مردم و مسئولان کرد، امروز کشور در آستانه یک امتحان الهی بزرگتر است، این امتحان الهی دو بعد دارد یکی حضور گسترده ومشارکت حداکثری که به قول مقام معظم رهبری که تکمیل کننده حضور با عظمت در مراسم تشییع شهدای خدمت است و بعد دیگر انتخاب اصلح در جهت اتمام کارهای نیمه تمام دولت مردمی و مکتبی آیت الله رئیسی است و یقین دارم مردم بصیر و انقلابی نیز در این امتحان نیز با مشارکت حداکثری در انتخاب اصلح و در راستای منافع مردم، نظام و انقلاب پیروز و سربلند خواهند بود.

وی در ادامه خطاب به نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، اظهار داشت: دوستان و همکاران گرامی در شرایطی مجلس آغاز به کار کرد که وظیفه ما در مجلس دوازدهم بسیار سنگین تر از قبل است، باید بپذیریم، مردم فداکاری و ایثار کردند و مانند همیشه پای آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند، امید آنها به قوانین و تصمیماتی است که در این مجلس برای حل مشکلات گوناگون خصوصا اقتصاد و معیشت آنان خواهیم گرفت، باید همه توان تخصصی کشور را پای کار بیاوریم تا نگذاریم بار مشکلات بر دوش مردم به ویژه اقشار آسیب پذیر سنگینی کند و اعتماد مردم به مسئولان خدشه‌دار شود که همه این مسائل در گرو وضع قوانین شفاف و پویا است.

وی در ادامه افزود: عمیقا معتقدم مسیر اصلاح امور کشور از سیاست و اقتصاد گرفته تا خودرو، معیشت و حتی کمک به جوانی جمعیت و فرزندآوری از وضع قوانین درست در مجلس می‌گذرد، البته به شرطی که نگاه همه ما فراجناحی و هدف صرفاً مردم باشند، یادمان نرود نامه‌ای که امام راحل به حاج سید احمد آقا نوشت و به درستی این پیر فرزانه شاخصه خدمت راستین و صادقانه را عنوان نمود، آنجا که فرمودند؛ در خدمت به بندگان خدا آنچه برای آنان پر منفعت‌تر است انتخاب کن نه آنچه برای خود یا دوستان خود که این علامت صدق به پیشگاه مقدس او جل علی است.

این نماینده مجلس تصریح کرد: سخنی نیز با مردم شهید پرور، ولایتمدار و بصیر شهرستان‌های حوزه انتخابیه ام دارم، در ابتدا از اعتماد مجدد شما مردم عزیز به این خدمتگزار کوچک خود تشکر می‌کنم و از حضور مثال زدنی شما مردم عزیز شهرستان‌های نیریز، استهبان و بختگان با مشارکت بالای خود در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و تعیین سرنوشت حوزه انتخابیه که بار دیگر حماسه آفریدید.

وی در ادامه اظهار داشت: امروز به لطف ۴ سال تلاش و پیگیری شبانه روزی صنعت به دروازه‌های ۳ شهرستان حوزه انتخابیه رسیده و ورود آب خلیج فارس برای اولین بار به استان فارس از سمت شهرستان های حوزه انتخابی ما و متعاقب آن پایداری آب صنعت و آب شرب منطقه نویدبخش حضور و توسعه صنایع بزرگ، اشتغال زایی، تولید، ثروت و در نهایت رفاه اجتماعی بیشتر برای شما است.

نماینده مردم در مجلس دوازدهم یادآور شد: بنابراین همه تلاش خود را خواهم کرد که در ادامه اقدامات توسعه‌ای دوره قبل و با تاسی از شعار سال مقام معظم رهبری و افزایش مشارکت مردمی دوره‌ای پررونق و تاریخ ساز را برای هر سه شهرستان رقم بزنیم، ضمن اینکه شما مردم هر سه شهرستان نیریز، استهبان و بختگان را که تاریخ سازی حضور حماسی شما در رای صد درصدی دوازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران زبانزد خاص و عام است، دعوت می‌کنم به حضور حداکثری سرنوشت ساز و دشمن شکن انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری که نوید روزهای خوب و شکوفا شدن اقتصاد و صنعت منطقه را با پشتوانه حضور و حمایت شما در این دوره فعالیت خود می‌دهم.

## نامزدهای انتخاباتی با چه شعاری به کارزار انتخابات آمدند؟

**سرویس سیاسی** – شعار نامزدهای انتخاباتی این دوره از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ مشخص شد.

پس از ثبت نام داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری شورای نگهبان در تاریخ ۲۰ خرداد اسامی افراد تایید صلاحیت شده را اعلام کرد (شامل مصطفی پورمحمدی، مسعود پزشکیان، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی، محمدباقر قالیباف، سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی).

بعد از اعلام اسامی از سمت شورای نگهبان نامزد های انتخاباتی شروع به تشکیل ستاد های انتخاباتی و انجام تبلیغات کردند و تبلیغات آغاز می‌شود و تا ۲۴ ساعت قبل از شروع اخذ رأی یعنی ساعت ۸ صبح پنج‌شنبه ۷ تیر ادامه دارد. نامزد ها معمولا از همان ابتدای ثبت نام برای کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری یک شعار انتخاباتی برای خود انتخاب می کنند.

شعار ۶ نامزد این دوره از انتخابات ریاست جمهوری نیز مشخص شده است و نامزد ها برای تبلیغات خود آنها را بکار می برند. محمدباقر قالیباف نامزد این دوره از انتخابات ریاست جمهوری با شعار «خدمت و پیشرفت» به میدان انتخابات آمده است. شعار انتخاباتی مسعود پزشکیان نامزد این دوره از انتخابات «برای ایران» است. مصطفی پورمحمدی شعار «دولت قرار؛ عدالت ثروت، قدرت» برای خود انتخاب کرده است. سعید جلیلی نیز از جمله نامزد های انتخاباتی این دوره است که شعار «یک جهان فرصت، یک ایران جهش؛ هر ایرانی یک نقش باشکوه» را برای خود برگزیده است. علیرضا زاکانی با شعار «دولت خدمت» به کارزار انتخابات ریاست جمهوری آمده است. امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی شعار «دولت مردم و خانواده» انتخاب کرده است.

Tiyamnet
Tiyam.ir
TRK
تیام رایان کیش
اینترنت پرسرعت ...
نصب و راه اندازی دوربینهای مداربسته
پشتیبانی دوربینهای مداربسته
رفع اشکال
۰۷۶۴۴۸۰۵ – ۷۶ و ۰۷۱۹۱۰۹۲۶۷۵
نصب و راه اندازی شبکه
پشتیبانی شبکه
مشاوره رایگان